

## بررسی نقش تعاملی دانشگاه و شهرداری در ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده

فرزانه قاسمی\*، عبدالله پارسا\*\*، یداله مهرعلی‌زاده\*\*\*، سکینه شاهی\*\*\*\*  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۸

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف طراحی الگویی برای ایجاد شهر یادگیرنده با محوریت دانشگاه در کلان‌شهر اهواز انجام شده است. پژوهش از نوع مطالعات کیفی به روش داده بنیاد است. جامعه آماری شامل استادان دانشگاه شهید چمران اهواز و کارشناسان و مدیران شهرداری کلان‌شهر اهواز بوده و روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و گلوله برفی تا جایی ادامه یافت که پژوهشگر با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۳ نفر از اعضای نمونه به اشباع نظری رسید. با تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام گرفته، تعداد ۸۳۴ کدباز استخراج و از تلفیق آن‌ها تعداد ۳۸ مقوله احصاء گردید و طی سه مرحله کدگذاری، الگوی ایجاد شهر یادگیرنده با محوریت دانشگاه در شش مقوله اصلی ارائه شده است. الگوی طراحی شده می‌تواند به‌عنوان یک الگوی راهبردی یا عملیاتی در شهرداری کلان‌شهر اهواز مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد، پیامدهای ایجاد شهر یادگیرنده در نتیجه تعامل دانشگاه و شهرداری، رشد و بلوغ اجتماعی و یادگیری شهروندان، توسعه فعالیت‌های فرهنگی در شهر، توسعه انجمن‌ها و شبکه‌های علمی- فرهنگی، تصمیم‌گیری‌های علمی و مطلوب‌تر در سطح شهر، افزایش تعاملات دانشگاه و شهرداری، افزایش مسئولیت اجتماعی شهروندان، شهرداری، دانشگاه و سایر دستگاه‌های اجرایی برای توسعه یادگیری، تعالی فضا و منظر شهری و توسعه فضای یادگیری، ایجاد ضمانت ارائه پیوست آموزش شهروندی برای همه پروژه‌های شهر یادگیرنده، افزایش تعاملات شهرداری در سطح ملی و بین‌المللی است.

**واژه‌های کلیدی:** شهر یادگیرنده، دانشگاه، شهرداری، اهواز، داده بنیاد.

---

\* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)  
farzaneh.ghasemi92@gmail.com  
\*\* دانشیار برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.  
abdparisa@gmail.com  
\*\*\* استاد توسعه منابع انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.  
ymehralizadeh@gmail.com  
\*\*\*\* استادیار مدیریت آموزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.  
shahisakineh@gmail.com

## مقدمه

در قرن بیست و یکم هم‌زمان با توسعه یادگیری و تغییر از تأکید بر یادگیری فردی به یادگیری جمعی، تحولات چشمگیر جهانی باعث شده که در ارتباط با رویدادهایی مانند توسعه محیط‌زیست، به مفاهیمی از قبیل شهر سبز یا شهر پاک؛ در ارتباط با توسعه و رشد فناوری، مفاهیمی چون شهر الکترونیکی، شهر مجازی، شهر دیجیتال، شهر اطلاعات و در ارتباط با عوامل انسانی، مفاهیمی چون شهردانش، شهريادگیرنده، شهرخلاق، مطرح شوند و مورد توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران قرار گیرند. به‌زعم فاریس<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در میان فراوانی چنین دیدگاه‌هایی، جنبش جهانی «شهرهای یادگیرنده»<sup>۲</sup> رشد کرده است. شهر یادگیرنده، همه منابع خود را در تمام بخش‌های شهری به کار می‌گیرد تا با تسهیل و تسریع دستیابی شهروندان به رشد فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، انسجام اجتماعی را تحقق بخشیده و باعث خلق موفقیت برای شهروندان گردد (Longworth, 2011). در این شهر، یادگیری گسترده و مادام‌العمر وجود دارد. فعال‌سازی فرایندهای یادگیری مادام‌العمر<sup>۳</sup> به‌عنوان راهبردی بنیادین، موجب بهبود موقعیت‌ها از نقطه‌نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و همچنین بهبود کیفیت زندگی شهروندان می‌شود (Di Sivo & Ladiana, 2010). شهر یادگیرنده، نیازهای یادگیری محلش را از طریق مشارکت شناسایی کرده و از ظرفیت‌های روابط نهادی و اجتماعی برای ایجاد تغییر فرهنگی در ادراکات ارزش یادگیری انسان، استفاده می‌کند.

در بیانیه کنفرانس بین‌المللی شهر یادگیرنده یونسکو (۲۰۱۵)، یک شهر یادگیرنده، شهری تلقی شده است که منابع خود را به‌طور مؤثر در همه بخش‌ها به صورتی بسیج می‌کند که یادگیری فراگیر را از سطح پایه تا سطوح عالی ارتقاء بخشد؛ یادگیری را در خانواده‌ها و جوامع احیا و در محل کار تسهیل کند؛ استفاده از تکنولوژی‌های مدرن یادگیری را توسعه داده و ضمن افزایش کیفیت و مزیت یادگیری، فرهنگ یادگیری را در طول زندگی پرورش دهد. با انجام این کار، شهر یادگیرنده، رشد شخصی و انسجام اجتماعی، توسعه اجتماعی و فرهنگی و توسعه پایدار را ایجاد و تقویت خواهد نمود.

- 
1. Faris, R.
  2. learning city
  3. lifelong learning

شهر یادگیرنده بر ماهیت فرایندی فرهنگی-آموزش، از سویی، و دانش، از سوی دیگر تأکید دارد. بر این اساس، شهر یادگیرنده شهری است که شهروندان آن با احساس مسئولیت شهروندی ضمن مشارکت در امر تولید و توزیع دانش، موفقیت را در گرو داشتن مهارت‌های دانشی نوشونده دانسته و مسئولیت شهروندی را در مشارکت فعال در این فرایند می‌دانند. تمام ساختارهای اجتماعی و شهری در شهر یادگیرنده به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به تسهیل این مشارکت می‌انجامد. در جامعه یا شهر یادگیرنده هر فعالیت یا پروژه شهری باید ماهیت آموزشی داشته و در کنار پیوست‌های توجیهی مختلفی که دارد، مثل توجیه اقتصادی، زیست‌محیطی، اخلاقی، و... پیوست توجیهی آموزشی نیز داشته باشد؛ به این معنا که پروژه بتواند کارکرد آموزشی خود را نیز تبیین نماید (مهرعلی زاده و همکاران، ۱۳۹۶).

به‌زعم لانگ ورث (۲۰۰۰: ۱۱۳) همکاری و تعامل در شهر یادگیرنده، ضروری‌ترین عامل اتصال همه اجزای شهر یادگیرنده است. همکاری و تعامل بین همه بخش‌ها، یک شهر را می‌سازد. مشاغل و صنعت، آموزش و پرورش، خدمات اجتماعی، بخش داوطلبانه، گروه‌های علاقه‌مند اجتماعی، سازمان‌های حرفه‌ای و دیگر نهادها و بخش‌ها، همگی مهم هستند. در بحث اهمیت دانشگاه‌ها، لانگ ورث و داویز (۱۹۹۶) اظهار می‌کنند که دانشگاه‌ها، به‌عنوان سازمان‌های جهانی در قلب انقلاب یادگیری، ایده‌آل‌ترین مکان برای ایفای موقعیت رهبری شهر یادگیرنده هستند. گودارد و چترتون<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) نیز از دیدگاه توسعه منطقه‌ای، تأکید می‌کنند که دانشگاه‌ها می‌توانند نقش مهمی در ساختن یک منطقه یادگیرنده ایفا کنند. مورگان<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) نیز نقش دانشگاه‌ها را به‌عنوان کاتالیزورهای شبکه‌ای، در ساخت سرمایه اجتماعی، بسیار مهم می‌داند.

لانگ ورث (۲۰۰۶: ۱۲۲) معتقد است دانشگاه‌ها می‌توانند با فعالیت‌هایی مانند؛ تحقیق‌ها، تخمین‌ها و مطالعات گروهی، طراحی و ارائه دوره‌ها و کنفرانس‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی، رهبری و ارزیابی پروژه‌های مرتبط با یادگیری در زندگی شهری، نیازسنجی و نیازسازی در سطوح فردی و اجتماعی و برای اقشار مختلف مردم، تعریف و توسعه شاخص‌های یادگیری مداوم و اقدامات گوناگون دیگر مانند فراهم ساختن تسهیلات مطالعه مردم و توسعه دوره‌های آموزش رسمی مرتبط با شهر یادگیرنده، به بسط و نهادینه

---

1. Goddard, J.B. and Chatterton, C.  
2. Morgan, B.

کردن این موضوع بپردازند. بی‌شک ارتباط و تعامل شهر با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، دوسویه است. استقرار دانشگاه در شهر باعث می‌شود که دانشگاه به‌عنوان کانون رشد و توسعه فرهنگی نقش تأثیرگذاری بر فرهنگ و اقتصاد شهر داشته باشد. از سوی دیگر شهر نیز باید قادر به تأمین نیازهای اقتصادی، فرهنگی و آموزشی جامعه دانشگاهی باشد (شماعی و محمودی، ۱۳۹۰).

اگرچه بسیاری از ویژگی‌های شهر یادگیرنده برای همه شهرها مشترک است اما شهرها در ترکیبات قومی و فرهنگی، ساختارهای اجتماعی و میراث فرهنگی باهم متفاوت هستند (یونسکو، ۲۰۱۵). کلان‌شهر اهواز با چالش‌ها و مشکلات فراوانی مانند: حاشیه‌نشینی، شکاف قومیتی، پیامدهای نامطلوب اقتصادی و روحی - روانی بازمانده از دوران جنگ، کمبود امنیت اجتماعی، نارسایی‌های فرهنگی، امکانات لازم و کافی برای تفریح جوانان، ضعف در ناوگان حمل‌ونقل عمومی مناسب در شهر، نبود مراکز فرهنگی، فرهنگسراها، کتابخانه‌های مجهز و نمایشگاه‌های هنری برای جوانان، نبود فضای خاص بانوان و ... مواجه است. مطالعه نرورزی وند و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که این کلان‌شهر با چالش‌هایی همچون نبود مدیریت جامع شهری، مشکلات موجود در ساختارهای زیستی شهر، هم‌راستا نبودن آموزش‌ها و فعالیت نهادها، تعلق خاطر پایین شهروندان به شهر، استفاده نادرست از پتانسیل‌های اقتصادی و صنایع، آموزش‌های شهروندی ضعیف در شهر و غیره روبرو است. با توجه به چالش‌های متعددی که پیش روی شهر اهواز است و همچنین اهمیت نقش دانشگاه در این زمینه، ایجاب می‌کند چارچوب مفهومی نظام‌مندی متکی به مبانی نظری و متناسب با شرایط زیست‌بوم شهر اهواز، طراحی شود تا بتواند به‌عنوان یک الگوی راهبردی و یا عملیاتی مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به محوریت عنصر دانشگاه در مقاله حاضر و با در نظر گرفتن این نکته مهم که بنیان‌های نظری شهر یادگیرنده در جوامع اروپایی-آمریکایی تبیین شده، لازم است به تفاوت‌های نهاد دانشگاه در ایران و سایر کشورها اشاره مختصری شود. بندر<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) اذعان می‌کند که "طراحی دانشگاه‌ها در گذشته به این صورت بوده است که مجموعه‌ای از دانشکده‌ها به دور یک محوطه سبز می‌نشستند و این میدان مرکزی کاملاً از تمام شهر جدا بود و دانشگاه عملاً از محیط پیرامون خود جدا انگاشته می‌شد"، این در حالی است که

---

1. Bender, T.

طراحی دانشگاه‌های ما هنوز به همان صورت است و دانشگاه‌ها در ایران با کشیدن دیوارها و نرده‌ها عملاً از محیط پیرامون خود جدا می‌شوند و از منظر شهرشناسانه، دانشگاه‌های ایران برخلاف بسیاری از نقاط دنیا یک فضای عمومی شهری باهدف ایجاد دسترسی مداوم برای عموم شهرنشینان تلقی نمی‌شوند.

برخلاف دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته به‌ویژه غربی که عمدتاً چه از لحاظ مدیریتی و چه مالی، خصوصی و مستقل می‌باشند، دانشگاه‌های ایران عمدتاً توسط دولت تأسیس شده و دانشگاه‌های برتر ایران دولتی‌اند، در کشورهای توسعه‌یافته سهم دولت در تأمین مالی آموزش ناچیز است. اما در دانشگاه‌های دولتی ایران، دولت بیشترین سهم در تأمین منابع مالی را دارد (دادجوی توکلی، حسینی، نیکنامی و صالحی، ۱۳۹۸). همچنین فقدان استقلال عملیاتی به‌صورت مطلوب از دیگر مسائل مهم ساختاری در سطح آموزش عالی ایران است (غفرانی، ۱۳۸۲). دانشگاه‌ها در ایران با ساختارهای بوروکراتیک دولتی به‌عنوان اقتدار بالادستی در چالش هستند (ذاکر صالحی، ۱۳۹۵). پایه دانشگاه‌های ما بر اساس الگوی ناپلئونی بنا نهاده شده است و مهم‌ترین هدف آن از ابتدای تأسیس انتقال دانش از کشورهای صاحب دانش و تربیت کادر اداری بوده و دولت در تأمین منابع مالی و انتصابات دانشگاه‌ها دخالت داشته است. این در حالی است که بنیاد دانشگاه‌ها در بیشتر کشورهای پیشرفته، بنا بر نظر هومبولت، بر آزادی علمی استوار است (شاهی، نوه ابراهیم، مهرعلی زاده، ۱۳۸۷). بازنمایی این تفاوت نهادی در تلفیق این عناصر در برنامه‌ریزی راهبردی برای شهرها تعیین‌کننده است.

با این حال، دانشگاه در ایران، به‌مثابه مبدأ تحولات، بیش از هر نهاد دیگر تغییرات و دگردیسی‌های به نسبت وسیعی را از حیث ساختاری و کارویژه‌هایی که متوجه آن بوده تجربه کرده است و آنچه در این بین اهمیت‌ی فزاینده و مضاعف دارد این است که پویایی دانشگاه در گرو هوشمندی دقیق و موشکافانه آن نسبت به زمانه و فضایی است که در آن قرار گرفته است (مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، ۱۳۹۹). در دو دهه اخیر، تأکید بیشتری بر جامعه‌محور بودن پژوهش‌های دانشگاهی شده است. این امر موجب ایجاد دفاتر ارتباط با صنعت و جامعه در دانشگاه شده و دریچه‌ای برای هر چه نزدیک‌تر کردن دانشگاه به جامعه را فراهم نموده است.

دانشگاه شهید چمران اهواز با دارا بودن بیش از ۵۷ گروه آموزشی در حوزه‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشک و هنر، با ۱۵ دانشکده و یک

پردیس دانشگاهی، بزرگ‌ترین دانشگاه جنوب غرب کشور محسوب می‌شود. بیش از ۵۰۰ نفر عضو هیئت‌علمی در دانشگاه مشغول آموزش و پژوهش هستند که حدود ۸۰ درصد از آن‌ها دارای رتبه استادیاری و بالاتر می‌باشند. همچنین بر طبق آمار سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بیش از ۱۶ هزار دانشجو از مقطع کاردانی تا دکتری تخصصی در این دانشگاه مشغول تحصیل‌اند که از این تعداد ۴۰۰۰ دانشجوی تحصیلات تکمیلی هستند. از تعداد ۱۶۳۳۵۱ دانشجو در زیر نظام‌های استان خوزستان در سال ۱۳۹۸، تعداد ۲۳۵۸۲ نفر دانشجویان دانشگاه‌های دولتی استان هستند که از این تعداد، ۱۳۷۷۳ نفر در دانشگاه شهید چمران اهواز تحصیل می‌کنند یعنی بیش از نیمی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی استان در دانشگاه شهید چمران به تحصیل مشغول هستند. بر اساس رتبه‌بندی پایگاه رتبه‌بندی "تایمز"<sup>۱</sup> یکی از معتبرترین نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی، در سال ۲۰۲۰ دانشگاه شهید چمران اهواز از بین ۴۰ دانشگاه برتر ایرانی رتبه ۲۵ را کسب کرده است. در بخش ارتباط با صنعت رتبه ۶ کشوری و ۱۷۰ بین‌المللی را کسب کرده است. رتبه ارتباط با صنعت دانشگاه شهید چمران معادل رتبه دانشگاه استنفورد است که در گزارش تایمز به آن اشاره شده است. در بخش آموزش رتبه دانشگاه ۱۵ و در بخش تحقیقات ۱۴ شده است. همچنین دارای چهار قطب علمی است که یکی از آن‌ها قطب علمی آموزش مداوم می‌باشد، بنابراین دانشگاه شهید چمران می‌تواند در سطح محلی اهواز، استان خوزستان، ایران و منطقه خاورمیانه سهم مهمی در ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده ایفا نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر از سه منظر؛ کمک به بازبینی و توسعه مبانی نظری مرتبط، بررسی ابهامات و گسست‌های تجربی در تحقیقات گذشته و ارائه تبیین بهتر از مؤلفه‌های شهر یادگیرنده و توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خاص شهر اهواز برای کمک به تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی، قابل بررسی است. مسئله حاضر آن است که شهرداری به‌عنوان سازمانی با کارکردهای مختلف در شهر از یک‌طرف و دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهای علمی و فرهنگی چگونه می‌توانند برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده همکاری و تعامل داشته باشند؟ و به‌طور کلی نقش تعاملی دانشگاه و شهرداری در ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده چیست؟

### مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

از اواخر قرن بیستم، دوره‌ای که ایده مناطق یادگیرنده اهمیت پیدا کرد، بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ هاچینز<sup>۱</sup> (۱۹۶۸)، ایلچ<sup>۲</sup> (۱۹۷۳)، رانسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۸)، وان در زی<sup>۴</sup> (۲۰۰۶)، جارویس<sup>۵</sup> (۲۰۰۸)، چامبرز<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) و یونسکو (۱۹۷۲، ۱۹۹۶، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۵)، با مطالعات تطبیقی، پیمایشی و مرور متون تخصصی، این ایده را توصیف کردند. به اعتقاد بسیاری از حامیان شهر و مناطق یادگیرنده، یکی از واضح‌ترین توصیف‌ها، مدل شهر یادگیرنده یونسکو (۲۰۱۵) است. نظریه‌ای که در آن بر سه مؤلفه «منافع عمده ایجاد شهر یادگیرنده، ابعاد اصلی ایجاد یک شهر یادگیرنده و شرایط زیربنایی ایجاد یک شهر یادگیرنده» تأکید شده است. چارچوب ویژگی‌های کلیدی شهرهای یادگیرنده متناظر با سقف، ستون‌ها و شالوده آرم یونسکو است. بر این اساس، سه حوزه اصلی منعکس‌کننده منافع عمده ایجاد یک شهر یادگیرنده مدرن عبارت‌اند از: توانمندسازی و انسجام اجتماعی، توسعه اقتصادی و رونق فرهنگی و توسعه پایدار. در این سه حوزه، شش ستون، بلوک‌های اصلی ساختمان یک شهر یادگیرنده را نشان می‌دهند: یادگیری فراگیر در سیستم آموزشی، فراگیری دانش در خانواده‌ها و جوامع، تسهیل یادگیری در محیط‌های کاری، استفاده گسترده از فن‌آوری‌های یادگیری نوین، ارتقاء کیفیت در یادگیری و فرهنگ پویای یادگیری در طول زندگی. سه حوزه نیز منعکس‌کننده شرایط اساسی برای ساختن یک شهر یادگیرنده هستند که عبارت‌اند از: اراده و تعهد قوی سیاسی، نظارت و مشارکت همه ذینفعان و تجهیز و بهره‌برداری از منابع.

### پیشینه پژوهش

در زمینه شهرهای یادگیرنده، غالب مطالعات موجود، در چارچوب تیم‌های تحقیقاتی و پروژه‌های عملی هستند که در نقاط مختلف جهان صورت گرفته‌اند از جمله پروژه تلز<sup>۷</sup>،

1. Hutchins, R. M.
2. Illich, H.
3. Ranson, S.
4. Van Der Zee, H.
5. Jarvis, P.
6. Chambers, J.
7. TELS (Towards a European Learning Society)

پروژه آی ایرن<sup>۱</sup>، لی لارا<sup>۲</sup>، رصدخانه پاسکال<sup>۳</sup> و ... اما متأسفانه در کشور ما هیچ پروژه یا طرح تیمی و عملی صورت نگرفته است و پژوهش‌های انگشت‌شماری در زمینه مفهوم و مدل جامعه یادگیرنده (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲)، ابعاد و مؤلفه‌های شهر یادگیرنده (نوروزی وند و همکاران، ۱۳۹۴)، شناسایی شاخص‌ها (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸؛ حسینی و قلی‌پور، ۱۳۹۴) و شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این شهر (سرور و همکاران، ۱۳۹۵؛ بیات و همکاران، ۱۳۹۱)، ارتباط شهر یادگیرنده و شهر خلاق (امیر انتخابی و همکاران، ۱۳۹۷)، مفاهیم، اصول و بسترهای شکل‌گیری شهرهای یادگیرنده (سلمان زاده، ۱۳۹۴)، بررسی ارتباط شهر یادگیرنده و سطح مشارکت شهروندان در شهر قزوین (یوسفی، شیعه، خطیبی و سعیدی رضوانی: ۱۳۹۹) انجام شده است. به‌طور کلی وجه مشترک مطالعات یادشده آن است که دست‌یابی شهرهای ایران به شهر یادگیرنده نیازمند زمان و تمرکز در این زمینه می‌باشد و در تنظیم یک مدل راهبردی یا عملیاتی باید شرایط، بافتار و فلسفه پذیرفته‌شده را در هر شهر در تیررس توجه قرار داد.

همچنین در بحث نقش و سهم آموزش عالی در توسعه منطقه یادگیری پژوهش‌هایی صورت گرفته است. گروهی از صاحب‌نظران با بررسی موضوع نظام‌های آموزشی در جامعه یادگیرنده، بر این دیدگاه تأکید دارند که تمام بخش‌های این نظام باید فعالیت‌ی یکپارچه برای بسترسازی تحقق جامعه یادگیرنده آغاز کنند (Delanty, 2003; Hartley, 2000; Knapper and Croply, 2001) و بر این باورند که آموزش عالی و مؤسسات آن به‌ویژه دانشگاه می‌توانند و باید نقش محوری و پیشگام را بر عهده بگیرند (یونسکو، ۱۳۷۶؛ Longworth, Kitagawa, 2004 Morgan, 2002؛ Goddard and Chatterton, 1999 OECD, 2007؛ PASCAL International Observatory 2014؛ بیات و همکاران، ۱۳۹۱؛ سرور و همکاران، ۱۳۹۵). تا حدی که لانگ ورت و داویز (۱۹۹۶) معتقدند دانشگاه‌ها، به‌عنوان سازمان‌های جهانی در قلب انقلاب یادگیری، ایده‌آل‌ترین مکان برای ایفای موقعیت رهبری شهر یادگیرنده هستند. این چنین مسئولیتی آن‌ها را به پذیرفتن مأموریت جامعه‌گراتری تشویق می‌کند، هم در پژوهش‌ها و هم در آموزششان، در عین حال روابط ملی و بین‌المللی خود را نیز حفظ می‌کنند. در حیطه رسالت خدمات، یونسکو

- 
1. International Education and Resource Network (iEARN)
  2. Learning in Local and Regional Authorities (LILARA)
  3. PASCAL Observatory



(۱۹۹۴) تأکید دارد دانشگاه باید موارد زیر را انجام دهد: ۱- افزایش تأکید بر بررسی و رفع مشکلات و بحران‌های ناشی از تغییرات سریع اجتماعی، اقتصادی، محیطی، فناوری و سیاسی و ۲- گنجاندن هدفمند امکان دسترسی تخصصی به شبکه یادگیری و وسایل کمک یادگیری در مؤسسات آموزش عالی به منظور برانگیختن افراد برای یادگیری (Dohman, 1999).

درباره رسالت پژوهشی هم آموزش عالی به‌عنوان یک منبع تخصصی و ظرفیت تحقیقاتی، دارای اهمیت است؛ دانشگاه‌های برجسته، مانند فرودگاه‌های بین‌المللی، به‌عنوان یک عنصر مهم در بین ویژگی‌های شهرها و مناطق رقابتی موفق در جهان شناخته شده‌اند. برای دانشگاه، منابع، حمایت از شهر و منطقه‌ای که در آن واقع شده است برای رونق و رفاه آن و همچنین شرایط راحت و روابط محلی سازنده، مهم باشد. ایده تعامل دانشگاهی، با خود، ایده تولید مشترک دانش و منافع مشترک را به همراه دارد (OECD, 2007). تشبیه دانشگاه‌ها به فرودگاه، قیاس مع‌الفارق نیست؛ چون دانشگاه را می‌توان محل آموشد افراد مختلفی دانست که کالاهای فرهنگی را با خود جابه‌جا و مبادله می‌کنند. آن‌ها باید مشکلات کشورهای خود را در مسیر توسعه دانش‌محور و رسیدن به جامعه یادگیری، شناسایی و تجزیه و تحلیل کنند و با انجام پژوهش راه‌حلی را برای آن‌ها جستجو، کرده و دیدگاه‌های نوآورانه‌ای را پیشنهاد کنند تا کشورهاشان بتوانند آینده‌ای بهتر بسازند (یونسکو، ۱۳۷۶). دوهمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۶)، دوک<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) و یونسکو (۱۳۸۸) نیز بر نقش پژوهشی دانشگاه و تولید و اشاعه دانش و ارزیابی آن در توسعه منطقه یادگیرنده تأکید می‌کنند. با این حال، ایده مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی محلی - منطقه‌ای نیز برخی دانشگاه‌ها را که نگران از دست دادن آزادی آکادمیک هستند، تحت تأثیر قرار می‌دهد (OECD, 2007).

رصدخانه جهانی پاسکال (۲۰۱۴) در گزارشی پیشنهاد می‌دهد که مؤسسات آموزش عالی در پاسخ به این فشارها خود را در یکی از دسته‌های مؤسسات برگزیده، مؤسسات تحقیقاتی - فشرده، مؤسسات آموزشی و مؤسسات منطقه‌ای طبقه‌بندی کنند. همه گروه‌ها از هر مأموریت تا حدی حمایت می‌کنند و تمایز بین دسته‌ها بر اساس اولویت نسبی ایجاد شده برای هر یک از طرفین است.

---

1. Dohmen, G.  
2. Duke, CH.

## روش<sup>۱</sup>

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی<sup>۲</sup> و در زمره تحقیقات کیفی است که به منظور توصیف عمیق و غنی، از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه، کارشناسان و مدیران شهرداری کلان‌شهر اهواز و برای ارائه الگوی ایجاد شهر یادگیرنده، از راهبرد نظریه داده بنیاد<sup>۳</sup> «استرواس و کوربین»<sup>۴</sup> استفاده کرده است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، کارشناسان و مدیران شهرداری کلان‌شهر اهواز بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند<sup>۵</sup> و زنجیره‌ای<sup>۶</sup> انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که در فرایند گردآوری داده‌ها پس از مصاحبه با ۲۳ نفر اشباع نظری<sup>۷</sup> به دست آمد. ملاک انتخاب نمونه، داشتن اطلاعات مناسب و اشراف قابل قبول اطلاعاتی از قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های شهری بود تا بتوانند پژوهشگر را در شکل دادن مدل نظری خودیاری دهند. طبیعتاً این ویژگی‌ها باید در افرادی جست‌وجو می‌شد که یا تجربه کاری مستقیم در شهرداری‌ها را در سطوح مدیران عملیاتی و تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان شهرداری داشته باشند و یا در حوزه نظری و علمی، از تخصص‌های آکادمیک و همچنین تجارب اجرایی و مدیریتی در دانشگاه برخوردار باشند.

در نمونه‌گیری نظری که بر مفهوم مقایسه استوار است، مراجعه به افراد و رویدادهایی که امکان کشف گوناگونی‌ها را به حداکثر برسانند مهم است. این کار تا جایی ادامه یافت که طبقه‌بندی مربوط به داده‌ها و اطلاعات و تشریح مدل مفهومی موردنظر با تمام جزئیات و با دقت ممکن شود. به عبارتی پژوهشگر از طیف افراد بالقوه برای مصاحبه، کسانی را انتخاب کرد که بتوانند در فرایند گردآوری، خزانه داده‌های موردنیاز را غنی نمایند تا امکان ساخت نظریه فراهم شود. داده‌های پژوهش، از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته تا زمان دستیابی به کفایت نظری داده‌ها و اشباع نظری گردآوری شدند. نبود اسناد توسعه‌ای مدون قابل اعتنا، ناشناخته بودن دیدگاه‌های متخصصان دانشگاهی و مدیران شهری و مکتوم بودن قرابت‌ها یا تفاوت‌های فکری این دو گروه و مزیت روش داده بنیاد در دسترسی به یک

1. Method
2. Applied study
3. Grounded Theory Method
4. Strauss, A.L., and Corbin, J
5. Purposeful Sampling
6. Chain sampling
7. Theoretical Saturation

نظریه که عملاً بر تحلیل گفتمان‌های ذینفعان و صاحب‌نظران و ... بنا نهاده می‌شود، و در کل، ضرورت خلق تصویر دقیقی از فرایندهای اجتماعی نهفته در داده‌ها به تعبیر واکر و می‌ریک<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) از دلایل ترجیح این روش است.

تناسب با موقعیت، کارآمدی در عمل، توجه به افراد و احساسات آن‌ها و احتمال کشف برخی پیچیدگی‌های موجود در یک محیط نیز از مزایا و دلایل انتخاب این روش هستند. در این الگو شش مقوله پدیده محوری<sup>۲</sup>، شرایط علی<sup>۳</sup>، راهبردها<sup>۴</sup>، شرایط زمینه‌ای<sup>۵</sup>، شرایط مداخله‌گر<sup>۶</sup> و پیامدها<sup>۷</sup> طبقه‌بندی شدند. پدیده محوری؛ مرکز فرایند در حال بررسی است که سایر مقوله‌ها به آن ربط داده می‌شوند. شرایط علی؛ مقوله‌هایی هستند که نسبت به پدیده محوری مقدم بوده و بر آن تأثیر می‌گذارند. شرایط زمینه‌ای؛ شرایط خاصی است که بر راهبردها اثر می‌گذارد. شرایط مداخله‌گر؛ شرایط عمومی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را تسهیل یا محدود و مقید می‌سازد. راهبردها؛ کنش‌ها یا برهم‌کنش‌هایی است که برای اداره پدیده محوری اعمال می‌شود و پیامد حاصل این کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها است (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). بر این اساس پرسش‌های مصاحبه در قالب شش پرسش شفاهی که دربرگیرنده پنج بُعد نظریه داده بنیاد است، ارائه شدند؛

- ۱- چه عوامل اصلی‌ای باعث ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده در کلان‌شهر اهواز توسط شهرداری و دانشگاه می‌شود؟ (شرایط علی)
- ۲- برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده توسط شهرداری و دانشگاه چه راهبردهای اصلی قابل‌پیگیری در حوزه آموزش، پژوهش و خدمات مشاوره‌ای وجود دارد؟ (راهبردها)
- ۳- مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده یا مانع و محدودکننده راهبردهای پیشنهادی شما برای ایجاد شهر یادگیرنده توسط دانشگاه و شهرداری اهواز چه هستند؟ (شرایط مداخله‌گر)
- ۴- بسترها و زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده در کلان‌شهر اهواز توسط دانشگاه‌ها و شهرداری چه هستند؟ (شرایط زمینه‌ای)

- 
1. Walker, D., & Myrick, F.
  2. Core Category
  3. Casual Conditions
  4. Strategies
  5. Context Conditions
  6. Intervening Conditions
  7. Consequences

۵- مهم‌ترین پیامدها و دستاوردهای به‌کارگیری راهبردهای پیشنهادی شما در ایجاد یک شهر یادگیرنده در کوتاه‌مدت میان، میان‌مدت و بلندمدت برای دانشگاه، شهر و شهرداری کلان‌شهر اهواز کدام‌اند؟ (پیامدها)

۶- با اتکا به متغیرها و عوامل به‌دست‌آمده، الگوی مطلوب برای ایجاد شهر یادگیرنده در کلان‌شهر اهواز چگونه است؟ (پدیده محوری و کل مدل)

تحلیل داده‌هایی که به‌منظور تکوین نظریه داده بنیاد گردآوری شده، با استفاده از رمزگذاری نظری<sup>۱</sup> انجام گرفته است. در این شیوه، ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص داده شد و سپس این رمزها در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی شد که این فرایند، رمزگذاری آزاد<sup>۲</sup> نامیده می‌شود، در ادامه پژوهشگر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و یافتن پیوندهای میان آن‌ها به رمزگذاری محوری<sup>۳</sup> اقدام کرد (مهر علی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۶۷). قابلیت اعتماد مصاحبه‌ها از طریق معیارهای باورپذیری<sup>۴</sup>، باورپذیری<sup>۴</sup>، انتقال‌پذیری<sup>۵</sup>، اطمینان‌پذیری<sup>۶</sup>، تأیید‌پذیری<sup>۷</sup> لینکلن و کوبا به دست آمد.

به‌منظور تضمین باورپذیری در مرحله کیفی، روش بازبینی اعضا به‌کاربرده شد. در این خصوص، تمام مضامین استخراج‌شده و تفسیرهای صورت گرفته و معرف بودن تفاسیر و مضامین در یک فرایند دوطرفه بین نگارندگان بازبینی شدند. برای تضمین انتقال‌پذیری تلاش شد تا تمام جزئیات مربوط به مفاهیم و مضامین اصلی و فرعی و همچنین نمونه‌گزینی هدفمند و اقدامات صورت گرفته برای دستیابی به صاحب‌نظران و موانع پیش رو تشریح شود. در خصوص قابلیت اتکا و اطمینان به یافته‌های پژوهشی نیز تلاش شد تا با توجه به ادبیات و دیدگاه‌های مختلفی که در خصوص نمونه‌گزینی و تعداد مشارکت‌کنندگان وجود دارد، تعداد مشخصی از صاحب‌نظران برای مصاحبه به روش هدفمند و زنجیره‌ای انتخاب شوند.

- 
1. Theoretical coding
  2. Open coding
  3. Xial coding
  4. Credibility
  5. Transferability
  6. Dependability
  7. Confirmability

## یافته‌ها

داده‌های پژوهش، حاصل کدگذاری متن مصاحبه‌ها با مشارکت کنندگان است که باهدف طراحی الگو برای ایجاد شهر یادگیرنده با محوریت دانشگاه در کلان‌شهر اهواز و از طریق ابعاد علی، محوری، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردی و پیامدهای حاصل از کاربرد استراتژی، تحلیل شده‌اند. رونوشت مصاحبه‌ها برای یافتن مقوله‌های کلی، مقوله‌های محوری و مقوله‌های فرعی به‌طور منظم بررسی شد. طی فرایند کدگذاری تعداد ۸۳۴ کد باز، استخراج شد و از تلفیق آن‌ها تعداد ۳۸ مقوله احصاء گردید و در شش مقوله اصلی شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده دسته‌بندی شدند.

### شرایط علی مؤثر بر ایجاد شهر یادگیرنده در کلان‌شهر اهواز

نتایج کدگذاری مصاحبه‌ها منجر به استخراج مؤلفه‌های جدول ۱ با عنوان شرایط علی برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده شده است.

جدول ۱- شرایط علی برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده

ابعاد	مقوله‌ها	کدهای باز
شرایط علی	الزامات جامعه با فرهنگ یادگیری برای زیستن	سوق یافتن به سمت یادگیرندگی مداوم به دلیل پیشرفت علم، تکنولوژی و بنیادهای فکری
	گرایش به تغییر رویکرد مدیریت شهرداری به سمت مدیریت یکپارچه شهری و بازنگری قوانین	دشوار بودن تطبیق نظریات جدید شهر و مدیریت شهری با قوانین ۶۵ سال پیش، عدم انطباق وظایف و اختیارات شهرداری، عدم وجود نقش حاکمیتی و سیاست‌گذاری شهرداری در شهر، ضرورت تحقق مدیریت جامع و یکپارچه شهری در شهر، مغفول ماندن شهرها و شهرداری‌ها در ساختار نظام اداری
	الزام دانشگاه به تعاملات با شهرداری‌ها و محیط اطراف	فرصت اجرایی کردن پروژه‌های عملیاتی دانشگاه در شهرداری، رشد دانشگاه و بهبود وضعیت شهر در نتیجه تعامل مناسب دانشگاه و شهرداری، تحقق بهتر اهداف دانشگاه با استفاده شهرداری، صنایع و... از دستاوردهای آن
	وجود فناوری‌ها و فرهنگ دیجیتال و نیاز به یادگیری مستمر	گسترش زیرساخت‌های شبکه‌ای منابع دیجیتال و دسترسی به فضای مجازی

بر اساس جدول ۱ گرایش به تغییر رویکرد مدیریت شهرداری به سمت مدیریت یکپارچه شهری و بازنگری قوانین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مستخرج از مصاحبه‌ها است. مثلاً مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان می‌کند:

"ما با مدیریت شهری مواجه هستیم که قوانین و ضوابطش مربوط به سال ۱۳۳۴ است؛ یعنی بیش از ۶۵ سال پیش، قانونی برای شهرداری‌ها نوشته شده که اختیارات شهرداری‌ها را مشخص کرده است و ما از چارچوب این قانون نمی‌توانیم خارج شویم. در برخی از کارها با دستگاه‌های نظارتی با این چالش مواجه می‌شویم که قانون در این مورد به شما فلان اجازه را نداده است. ۶۵ سال پیش شهرها، ابعادشان، تفکراتشان و نظریه‌های حوزه شهری متفاوت از الآن بوده، بعد ما بخواهیم اکنون با چارچوب ۶۵ سال پیش، مؤلفه‌ها و نظریه‌های جدید را اجرایی کنیم، اصلاً تلفیق این سخت است... پس ابتدا باید قوانین اصلاح شوند. پیگیری‌هایی انجام شد و پیش‌نویسی به نام قانون مدیریت شهری تدوین شد و به لایحه تبدیل شد هرچند خیلی از بخش‌های آن حذف شد."

#### همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ در این مورد بیان می‌کند:

"در کشورهای دیگر شهرداری مدیر شهر است و بخش‌های مختلف زیر نظر شهرداری است اما در ایران شهرداری صرفاً بخشی از خدمات را در اختیار دارد و این عدم مدیریت شهری باعث می‌شود شهرداری در خیلی موارد خود را متولی ندادند و یا با شانه خالی کردن از برخی مشکلات شهری، دوباره کاری‌ها، موازی کاری‌ها و... شود."

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها بیانگر این است که مدیران و نخبگان شهر اهواز، یکی از مهم‌ترین شرایط علی را گرایش به تغییر رویکرد مدیریت شهرداری به سمت مدیریت یکپارچه شهری و بازنگری قوانین می‌دانند. در واقع بخشی از وظایف شهری در اختیار خود شهر است و البته این مشکل اکثر شهرهای کشور است. شهرداری برای هماهنگ کردن به دلیل عدم وجود هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف، برای هماهنگی هر فعالیت و اقدام مشارکتی ولو جزئی با دیگر نهادها، هزینه‌ها و زمان زیادی را متحمل می‌شوند و چه بسا که در فعالیت‌های شهر شاهد موازی کاری‌ها و دوباره کاری‌ها می‌شویم.

شرایط زمینه‌ای مؤثر بر ایجاد شهر یادگیرنده در کلان‌شهر اهواز  
 نتایج تحلیل مصاحبه‌ها منجر به استخراج مؤلفه‌های جدول ۲ شده است.

جدول ۲- شرایط زمینه‌ای برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده

ابعاد	مقوله‌ها	کدهای باز
شرایط زمینه‌ای	زیرساخت‌های فناوری، عمومی و فرهنگی	نیاز به زیرساخت‌های حوزه حمل‌ونقل و خدمات عمومی، ضعف زیرساخت‌های فرهنگی شهر
	قدرت و بافتار سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی حاکم بر مدیریت و فعالیت‌های یادگیری شهرداری اهواز	ساخت قدرت، فرازها و فرودهای طیف‌های سیاسی و قومی در شهرداری و شورای شهر، غالب شدن تفکرات ایدئولوژیکی و در حاشیه ماندن برخی فعالیت‌ها در شهرداری، احساسی و سیاسی بودن فعالیت‌های شورای شهر و شهرداری اهواز، فضای تبلیغاتی و انتخاباتی حاکم بر شوراها، خویشاوند گرایی در انتصابات
	وجود مرکز آموزش علمی کاربردی شهرداری اهواز	وجود مرکز آموزش علمی کاربردی شهرداری اهواز
	وجود دانشگاه مادر شهید چمران و جندی‌شاپور در اهواز	وجود دانشگاه‌های مادر شهید چمران (با ۵۳ گروه آموزشی و ۳۳۳ رشته تحصیلی، ۵۷ انجمن علمی، ۸ کانون فرهنگی و ۹ کانون اجتماعی) و جندی‌شاپور (با ۱۱ دانشکده، ۱۵ انجمن علمی، ۱۷ کانون فرهنگی) در اهواز
	تأمین منابع مالی موردنیاز پروژه‌های شهر یادگیرنده	هماهنگی و رایزنی با دستگاه‌های حاکمیتی و نظارتی فراتر از شهرداری در جهت تأمین بخشی از منابع مالی طرح و هم حمایت‌های معنوی و تداوم طرح، تعیین بودجه و منابع مصرف آن
	راه‌اندازی خانه‌های علم و ساده‌سازی علوم برای شهروندان	راه‌اندازی خانه‌های علم، تدوین تقویم آموزشی، تهیه برنامه به زبان عام توسط محققین، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و کلاس‌های علمی در فرهنگ‌سراها و کتابخانه‌ها و کلاس‌های مجازی توسط دانشگاه جهت عمومی‌سازی علم
	فاصله طبقاتی و حاشیه‌نشینی گسترده	وجود جمعیت شناور و حاشیه‌نشین، وندالیسم و تخریب گرایی در نتیجه فاصله طبقاتی، خروج سرمایه‌ها از شهر و انجام ساخت‌وساز در مناطق ارزان و حاشیه‌ای، بدقوارگی و گسترش بی‌رویه فیزیکی شهر، به هم خوردن مبلمان شهری

<p>عدم وفاق اجتماعی در نتیجه قوم‌گرایی، بروز تضاد و کشمکش اجتماعی، وجود بافت روستایی، عشایری و شهری توأم در شهر اهواز، کاهش سرمایه اجتماعی و بروز دعوا و کشمکش در کسب مناصب و پست‌های سیاسی و اداری و انتقال این دعوایا به بدنه جامعه در نتیجه اختلافات قومی و قبیله‌ای</p>	<p>تفاوت‌های قومی، قبیله‌ای و فرهنگ اجتماعی متفاوت (وجود هم‌زمان بافت روستایی، عشایری و شهری در شهر اهواز)</p>
<p>عدم ماندگاری در شهر، خروج سرمایه‌ها و سرمایه‌گذارها از شهر در نتیجه مهاجر فرستی شهر، خروج نخبگان علمی و فکری، افراد بارو حیه فعال و تحرک اجتماعی بالا، نیروهای کار ماهر و متخصص، افراد با مهارت‌های شهرنشینی و وضعیت اقتصادی مطلوب، شتاب مهاجرت از روستا و شهرهای محروم به اهواز، تبدیل شدن شهر به کارگاه صنعتی و خوابگاه برای شهرنشینان</p>	<p>جابجایی جمعیتی و مشکلات ناشی از مهاجر فرستی و مهاجرپذیری در کلان‌شهر اهواز</p>

بر اساس جدول ۲ جابجایی جمعیتی و مشکلات ناشی از مهاجر فرستی و مهاجرپذیری در کلان‌شهر اهواز یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مستخرج از مصاحبه‌ها است. در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره پنج بیان می‌کند:

"شهر اهواز به دلیل شرایطی که بعد از انقلاب داشته و در حال حاضر به دلیل شرایط اقلیمی، جابجایی جمعیتی متعددی را تجربه کرده، جابجایی جمعیتی یکسری عوامل فرهنگی به دنبال خودش دارد. ما باید روی شهروندان جدید شهر کارکنیم و آن‌ها را آموزش دهیم. چون عملاً یک قشر نخبه از شهر خارج می‌شوند و شهروندان جدیدی که خیلی هاشون یا در روستاها زندگی می‌کردند و یا در شهرهای کوچک و به‌صرف مسائل اقتصادی وارد اهواز می‌شوند. یعنی آموزش‌های ما از خیلی شهرهای دیگه باید بیشتر باشد. به دلیل اینکه ما جمعیت شناور و حاشیه‌نشین زیادی داریم."

بدون شک این حجم از حاشیه‌نشینی جرائم و آسیب‌های اجتماعی، بدقوارگی شهر و گسترش بی‌رویه فیزیکی شهر و به هم خوردن مبلمان شهری را در پی دارد.



### شرایط مداخله‌گر مؤثر بر ایجاد شهر یادگیرنده در کلان شهر اهواز

نتایج کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌ها منجر به استخراج مؤلفه‌های مداخله‌گر در جدول

۳ شده است.

جدول ۳- شرایط مداخله‌گر برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده

ابعاد	مؤلفه‌ها	کدهای باز
شرایط مداخله‌گر	سیاست‌های علمی کشور و نوع و میزان نگاه دانشگاه به بیرون از چارچوب‌های خود (در بخش عرضه و تقاضای توسعه یادگیری شهری)	طرح تقاضا از طرف شهرداری (در قالب تعیین اولویت‌های پژوهشی، تفاهم‌نامه‌ها و ...)، سیاست‌های وزارت علوم
	ضعف در عملیاتی کردن مباحث علمی و ارائه نوآوری‌های علمی و یادگیری مراکز آموزش عالی شهرستان	قدیمی بودن منابع و دیدگاه برخی استادان، تدریس مباحث تئوری و غیرکاربردی در آموزش کارکنان، ضعف استادان در کار اجرایی و عملیاتی بحث‌های علمی، عدم دقت و انگیزه برخی استادان برای بررسی ضعف‌های شهر، به‌روز و فاخر نبودن کارهای دانشگاه
	کمبود منابع درآمدی لازم شهرداری برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده	پایین بودن سطح درآمدهای شهرداری از محل عوارض نوسازی، عدم پرداختن یارانه توسط دولت به شهرداری در سال‌های اخیر، ثابت ماندن درآمد شهرداری به دلیل پایین آمدن میزان سرمایه‌گذاری در شهر و ساخت‌وساز، ضرورت کمک گرفتن از متخصصین دانشگاه در زمینه متنوع سازی منابع درآمدی و افزایش راندمان کار شهرداری، پایین بودن سطح خدمات به دلیل کمبود منابع درآمدی
	نگاه و رویکرد انتقادی دانشگاهیان به فعالیت‌های شهرداری	ایجاد برنامه‌های انتقادی پرمخاطب برای تحلیل عملکرد مدیریت شهری و آگاه نمودن آن‌ها به ضعف‌های جدی در حوزه یادگیری و آموزش، عدم نگاه انتقادی استادان به کارها و فعالیت‌های شهری
	آموزش به شهروندان و توانمندسازی کارکنان برای ایفای نقش در پروژه شهر یادگیرنده توسط دانشگاه و شهرداری	آموزش به شهروندان جهت ایجاد سواد رایانه‌ای، توانمندسازی و آموزش عمومی و تخصصی در سطوح مختلف کارمندی و کارگری، ایجاد انگیزه در نیروهای کم‌سواد، تغییر دیدگاه و درک ضرورت تغییر، برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌ها، آموزش چگونگی اجرای برنامه‌ها به کارکنان توسط دانشگاه، آموزش مجازی برای کارکنان با حجم بالای کار اجرایی، برون‌سپاری آموزش به دانشگاه

آموزش به شهروندان و توانمندسازی کارکنان برای ایفای نقش در پروژه شهر یادگیرنده توسط دانشگاه و شهرداری از شرایط مداخله‌گر مهم برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده با همکاری دانشگاه و شهرداری است. مثلاً در مورد تغییر دیدگاه و درک ضرورت تغییر مصاحبه‌شونده شماره ۲ بیان می‌کند:

"اولین کار دانشگاه بسط مفهوم شهر یادگیرنده و القای آن به مسئولین است. این مفهوم جدیدی که ابداع شده و در ادبیات و برنامه‌ریزی کشورهای دیگر به کار گرفته شده را باید دانشگاه برای مسئولین و برنامه‌ریزان شهر نهادینه کند و آن را به ارزش تبدیل کند."

بنابراین یکی از شرایط مداخله‌گر برای بسط و نهادینه کردن شهر یادگیرنده، باور به مسئله شهر یادگیرنده و ضرورت پیاده‌سازی آن است، پس در ابتدا نیاز هست که مسئولین مدیریت شهری با مفاهیم، الزامات و موانع این امر آشنا شوند و آموزش‌های لازم را دریافت کنند.

#### راهبردهای ایجاد شهر یادگیرنده در کلان شهر اهواز

نتایج تحلیل مصاحبه‌ها منجر به استخراج راهبردهای مندرج در جدول ۴ جهت ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده در کلان شهر اهواز با همکاری دانشگاه و شهرداری شده است.

جدول ۴- راهبردهای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده

ابعاد	مؤلفه‌ها	کدهای باز
راهبردها	بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فکری، آموزشی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه	<ul style="list-style-type: none"> <li>• احیای پروتکل‌های شهرداری با کمک گروه‌های آموزشی دانشگاه</li> <li>• استفاده از ظرفیت‌های کانون‌های دانشجویی و دانشجویان مستعد در سطح محلات برای انجام فعالیت‌های آموزشی</li> <li>• راه‌اندازی خانه‌های علم و ساده‌سازی علوم برای شهروندان</li> <li>• تبادل اطلاعات بین شهرهای یادگیرنده در سطح ملی و بین‌المللی</li> <li>• طراحی و تولید محتوای آموزشی و یادگیری (برای شهروندان و کارکنان سازمان‌ها) توسط دانشگاه</li> <li>• بهره‌گیری از ظرفیت‌های پایان‌نامه‌ای در</li> </ul>

کدهای باز	مؤلفه‌ها	ابعاد
<p>دانشگاه‌های منطقه جهت انجام پروژه‌های مطالعاتی شهرداری</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• تأسیس مرکز تائید طرح‌های اجرای شهری متشکل از کارشناسان علمی نهادهای اجرایی و دانشگاه</li> <li>• استفاده از ظرفیت‌های علمی و فکری دانشگاه در بخش طراحی، مشاوره، نظارت و ارزیابی پروژه شهر یادگیرنده</li> <li>• راه‌اندازی کارگروه‌های مشترک و اتاق‌های فکر با دانشگاهیان</li> </ul>		راهبردها
<ul style="list-style-type: none"> <li>• پیوستن به شبکه جهانی شهرهای یادگیرنده یونسکو و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی (در حوزه شهری و محیط زیستی و فرهنگی)</li> <li>• استفاده از تجارب کشورها و شهرهای مختلف و بومی‌سازی آن‌ها</li> <li>• بهره‌گیری از تجارب مشابه شهرهای فعال در حوزه آموزش، پژوهش و خدمات مشاوره‌ای</li> </ul>	<p>تعاملات کلان برون‌شهری و برون‌مرزی باکلان شهرها و شهرهای توسعه‌یافته‌تر داخلی و جهانی و همچنین نهادهای بین‌المللی فعال مانند یونسکو</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• نیازسنجی دقیق (شناسایی ظرفیت‌ها، کمبودها و مشکلات شهر) و تعیین اولویت‌های پژوهشی شهر</li> <li>• بسط و نهادینه کردن مفهوم شهر یادگیرنده توسط دانشگاه و القای آن به مسئولین شهر از طریق برگزاری نشست‌ها، کنفرانس‌ها و ...</li> </ul>	<p>نیازسنجی علمی و همه‌جانبه برای همه اقشار و گروه‌های شهروندی و همچنین نیاز سازی متناسب با اهداف تحول‌گرایانه و مبتنی بر توسعه</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تشویق به یادگیری از طریق طرح‌های خلاقانه (گردشگری ادبی، گردشگری هنری و...)</li> <li>• تدوین فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی برای غنی کردن زندگی روزمره شهروندان</li> <li>• توسعه آموزش شهروندی توسط همه نهادهای شهر به فراخور وظایف سازمانی</li> </ul>	<p>نهادینه کردن آموزش شهروندی با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های سازمان‌های رسمی دولتی، بخش خصوصی و انجمن‌های مردم‌نهاد، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، شوراها و شوراییارها، انجمن‌های مذهبی، محلی، ادبی، هنری، گردشگری و ...</p>	

ابعاد	مؤلفه‌ها	کدهای باز
راهبردها	طراحی ساختارها و تشکیلات موردنیاز در شهرداری و مجموعه مؤسسات ذی‌ربط و ایجاد و توسعه نهادهای مختلف	<ul style="list-style-type: none"> <li>تشکیل کمیته شهر یادگیرنده با حضور همه ذینفعان</li> <li>مکانیزه کردن فرایندهای شهرداری</li> <li>تقویت محله محوری (تفکیک شهر به محله‌هایی با تشخیص و هویت خاص خود)</li> <li>تقویت سازمان‌های واسطه‌ای</li> </ul>
	اطلاع‌رسانی، هویت بخشی و تحریک به یادگیری در طراحی منظر شهری، نماهای شهری، نمادها و نشانه‌های شهری به‌صورت مستمر و هدفمند	<ul style="list-style-type: none"> <li>تحریک به یادگیری و استفاده از پیام‌های آموزشی در طراحی منظر شهری، نماهای شهری، نمادها و نشانه‌های شهری</li> <li>اطلاع‌رسانی مستمر و شفاف به شهروندان در طراحی منظر شهری، نماهای شهری، نمادها و نشانه‌های شهری</li> <li>تقویت هویت شهروندی و تعلق خاطر شهروندان به شهر در طراحی منظر شهری، نماهای شهری، نمادها و نشانه‌های شهری</li> </ul>
	تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده	طراحی یک برنامه اجرایی گسترده، بلندمدت و مرحله‌ای در بخش‌های مختلف در قطعات مختلف مثل پازل و پیاده‌سازی مرحله‌ای آن
	برند سازی شهر یادگیری به‌منظور تأکید بر نقش آن در گفتمان عمومی	اعمال برچسب شهر یادگیرنده برای کلیه پروژه‌های مرتبط به‌منظور تأکید بر نقش آن در گفتمان سازی عمومی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای پیشنهادی توسط مصاحبه‌شوندگان بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فکری، آموزشی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه عنوان شده است. در این خصوص برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره هفده بیان می‌کند:

"دانشگاه می‌تواند حضور پررنگ و مؤثری داشته باشد. البته با این شرط که مسئولین با روحیه باز و اشتیاق حضور دانشگاه را بپذیرند که در خیلی از موارد حضور دانشگاه در حد زینت المجالس است. دانشگاه می‌تواند عهده‌دار وظایف زیر باشد: ۱- آموزش: آموزش کارشناسان و متخصصین در رشته‌های موردنیاز

شهر و شهرداری (البته با یک نیازسنجی دقیق و جدید) در قالب رشته‌های علمی و یا دوره‌های کوتاه‌مدت. ۲- پژوهش: ایجاد کارگروه‌های پژوهشی که منجر به تعیین اولویت‌های پژوهشی در حوزه مشکلات شهری شود و کار پژوهشی برای ارائه راه‌حل‌ها در قالب: الف- طرح‌های پژوهشی دانشگاهی (داخلی)؛ ب- در قالب انعقاد همکاری بین سازمان‌ها و نهادهای دولتی و بخصوص شهرداری جهت اجرای طرح‌های پژوهشی؛ پ- تأسیس مرکز تأیید علمی طرح‌های اجرایی شهری که متشکل از کارشناسان علمی نهادهای اجرایی و دانشگاه با اکثریت اعضای دانشگاهی آن، به‌منظور اینکه هیچ طرح و پروژه‌ای در سطح شهر اجرا نمی‌شود مگر تأیید این مرکز را داشته باشد. و البته بعد نظارتی آن نیز توسط این مرکز تأیید گردد. ۳- بخش خدمات مشاوره‌ای: دانشگاه می‌تواند در زمینه‌های زیر خدمات مشاوره‌ای ارائه کند: اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی شهری، مردم‌شناسی شهری، روانشناسی شهری، مدیریت شهری، جغرافیای شهری، فضای سبز و پارک، میلمان شهری، برنامه‌ریزی شهری، مهندسی شهرسازی. قبل از انقلاب معاون پژوهشی دانشگاه، رئیس انجمن شهر اهواز (شورای شهر فعلی) بوده و ارتباط دانشگاه و شهرداری به‌گونه‌ای تنگاتنگ برقرار بود."

دانشگاه‌ها به دلیل تولید، انتشار دانش جدید و تبادل ایده‌ها، تجربیات و ابتکارات و نگاه علمی به تمام پدیده‌ها در تمام ابعاد منحصربه‌فرد هستند و با اتکا به پتانسیل قوی که در زمینه نیروی جوان و دانشجویان، استادان، پژوهشگران و... دارند، قادر به بررسی عمیق مسائل و ارائه راه مناسب و مقتضی زمان هستند. این امر، استدلال قانع‌کننده‌ای را برای دانشگاه‌ها جهت هدایت شهر در مسیر یادگیرنده شدن فراهم می‌کند.

### پیامدهای ایجاد شهر یادگیرنده در کلان شهر اهواز

نتایج کدگذاری مصاحبه‌ها منجر به استخراج پیامدهای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده در کلان شهر اهواز با همکاری دانشگاه و شهرداری شده، که در جدول ۵ تدوین شده است.

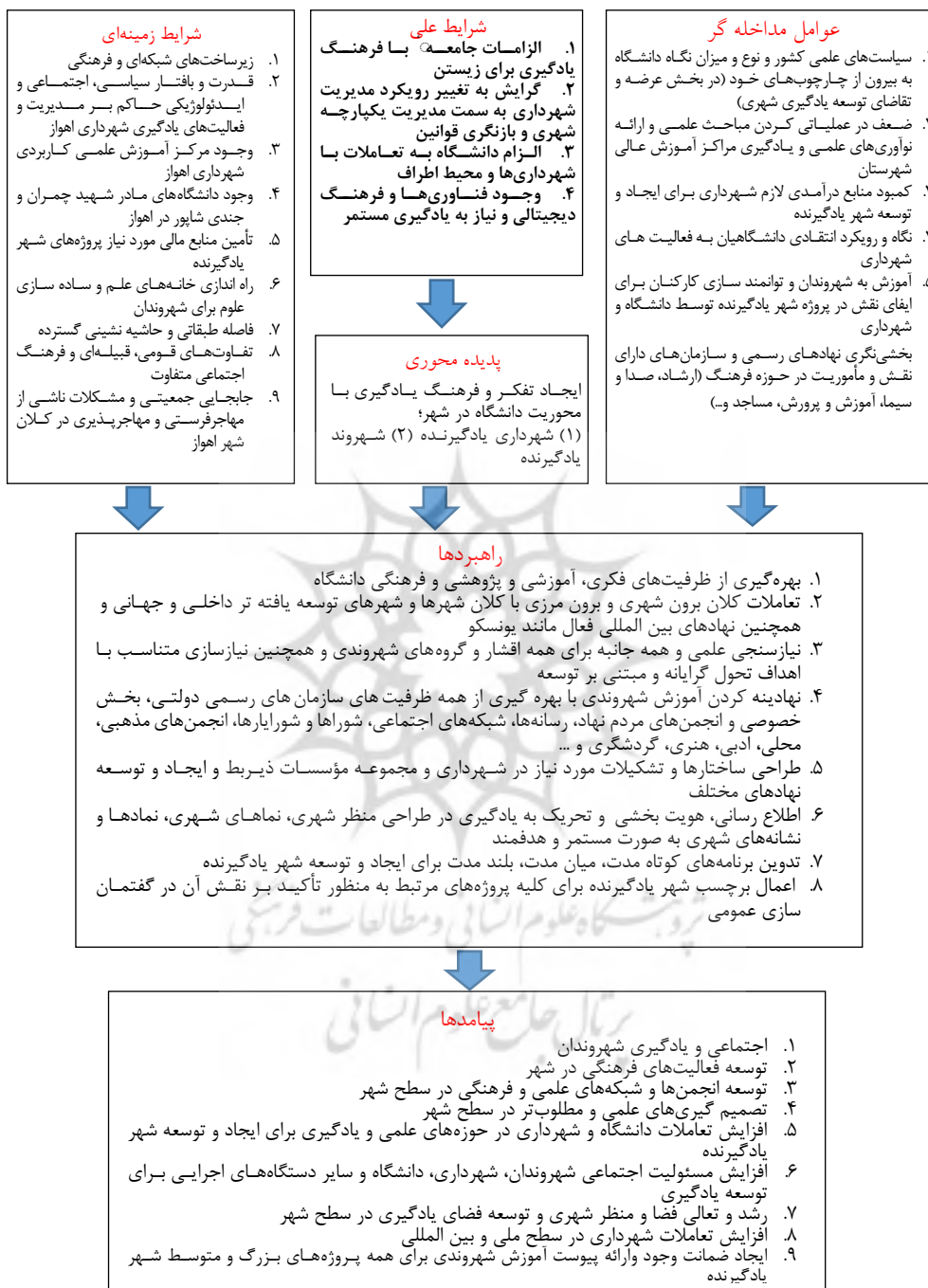
جدول ۵- پیامدهای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده

ابعاد	مقوله‌ها	کدهای باز
پیامدها	رشد و بلوغ اجتماعی و یادگیری شهروندان	افزایش آگاهی و دانش شهروندان، رشد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، رشد فردی، شهروندان مدرن و بالغ، کاهش آسیب‌ها و مشکلات ناشی از ناآگاهی‌ها و کمبود اطلاعات، شهروند توسعه‌یافته، آگاهی، مسئولیت‌پذیری، نظم و قانون‌پذیری، مشارکت سیاسی بالا و مؤثر و رسیدن به کیفیت بالاتری از حکمرانی در جامعه در نتیجه آگاهی شهروندان، شفاف‌تر شدن تصمیمات مدیریت شهری، تجزیه و تحلیل فعالیت‌های شهری توسط شهروندان، افزایش همکاری شهروندان در موقعیت‌های بحرانی شهر و دخیل شدن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها در نتیجه ارتقای سطح آگاهی
	توسعه فعالیت‌ها و تعاملات فرهنگی در شهر	برگزاری رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی (جشنواره غذا، لباس اقوام، صنایع‌دستی)، تعامل شهرداری با سازمان‌های فرهنگی (صداوسیما، آموزش و پرورش، ارشاد اسلامی، مساجد و فرهنگ‌سراها و خانه‌های علم)، افزایش دسترسی شهروندان به مراکز یادگیری اجتماعی (فرهنگ‌سراها، کتابخانه‌ها و...)
	توسعه انجمن‌ها و شبکه‌های علمی و فرهنگی در سطح شهر	انجمن کتاب، مطبوعات، شبکه و گروه‌های آموزشی مدارس، خیرگان صنعت، انجمن‌های تولیدی و کشاورزی و خدماتی
	تصمیم‌گیری‌های علمی و مطلوب‌تر در سطح شهر	جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها با انجام کارهای علمی پیش از شروع پروژه‌ها، کاهش هزینه‌های پرت و تسهیل رسیدن به اهداف، حذف اقدامات نمایشی شهرداری، کاهش هزینه‌های مدیریت شهری، استفاده بهتر از منابع و کاهش هزینه‌های مدیریت شهری
	افزایش تعاملات دانشگاه و شهرداری در حوزه‌های علمی و یادگیری برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده	تقویت حضور دانشگاه در برنامه‌ریزی‌های شهرداری، شکل‌گیری حلقه‌های اتصال جهت تسهیل ارتباط دانشگاه و شهرداری، تسهیل تعاملات (شهروند با ارگان‌ها، دانشگاه با شهرداری، سازمان‌ها با هم و اشتراک‌گذاری اطلاعات و کاهش بروکراسی)
	افزایش مسئولیت اجتماعی شهروندان، شهرداری، دانشگاه و سایر دستگاه‌های اجرایی برای توسعه یادگیری	افزایش کنش‌های مسئولانه و متعهدانه از سوی شهروندان در نتیجه آگاهی، خروج دانشگاه از انزوا و ایفای بهتر مسئولیت اجتماعی، ایجاد حس مسئولیت و پاسخگویی نسبت به شهروندان در مدیران

ابعاد	مقوله‌ها	کدهای باز
	رشد و تعالی فضا و منظر شهری و توسعه فضای یادگیری در سطح شهر	گسترش استفاده از عکس‌ها، تندیس و سردیس‌های مفاخر هنری، ادبی، علمی و... اهوازی در شهر و آشنایی شهروندان با آن‌ها، گسترش به‌کارگیری تنوع گونه‌های جانوری و گیاهی در ساخت المان‌ها، استفاده از کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مساجد، فرهنگ‌سراها، مراکز فرهنگی و ورزشی، پارک‌ها به‌عنوان فضاهای یادگیری
	افزایش تعاملات شهرداری در سطح ملی و بین‌المللی	افزایش تعاملات بین‌المللی در نتیجه پیوستن به شبکه جهانی شهرهای یادگیرنده یونسکو و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی (در حوزه شهری و محیط زیستی و فرهنگی)، استفاده از تجارب کشورها و شهرهای مختلف و بومی‌سازی آن‌ها و بهره‌گیری از تجارب مشابه شهرهای فعال در حوزه آموزش، پژوهش و خدمات مشاوره‌ای
	ایجاد ضمانت وجود و ارائه پیوست آموزش شهروندی برای همه پروژه‌های بزرگ و متوسط شهر (حمل‌ونقل و ترافیک، پسماند، خدمات شهری، زیباسازی منظر شهری، فرهنگ ترافیک، فضای سبز و...)، تدوین تقویم آموزشی و اطلاع‌رسانی به شهروندان	ارائه پیوست‌های آموزش شهروندی برای همه پروژه‌های بزرگ و متوسط شهر (حمل‌ونقل و ترافیک، پسماند، خدمات شهری، زیباسازی منظر شهری، فرهنگ ترافیک، فضای سبز و...)، تدوین تقویم آموزشی و اطلاع‌رسانی به شهروندان

تصمیم‌گیری‌های علمی و مطلوب‌تر در سطح شهر یکی از مهم‌ترین پیامدهای شهر یادگیرنده عنوان شده است. در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره بیست‌وسه بیان می‌کند:

"ارتقای سطح آگاهی شهروندان از یک سو و مدیریت شهری از سوی دیگر در نتیجه شهر یادگیرنده، می‌تواند نوع خواسته‌ها و سطح آن‌ها را در میان شهروندان تغییر دهد. به‌عنوان مثال در چنین شهری اقدامات نمایشی پرهزینه مانند ساخت یک تقاطع غیره مسطح چند صد میلیارد تومانی، جای خود را به پویایی محله‌های شهری، ساخت پارک‌های منطقه‌ای، ارتقای کیفیت پیاده‌روها، روشنایی و ... خواهد داد. در تصمیم اول ظاهراً شهری زیباتر داریم ولی در تصمیم دوم شهری داریم که محیطش برای زندگی شهروندان جذاب‌تر خواهد بود. مسئله دیگر در ارتقای سطح آگاهی این است که با افزایش آن، تصمیمات مدیریت شهری شفاف‌تر شده و شهروندان به‌راحتی آن‌ها را تجزیه و تحلیل نموده و خود را در تصمیم‌گیری‌ها دخیل می‌کنند. از سوی دیگر هر جا که مدیریت شهری نیاز به همراهی شهروندان داشته باشد قطعاً شهروندان آگاه‌تر همکاری بهتری خواهند نمود."



شکل ۱- الگوی پارادایمی ایجاد شهر یادگیرنده با محوریت دانشگاه در کلان شهر اهواز



استفاده از روش داده بنیاد و مقوله‌های استخراج شده حاصل از کدگذاری محوری و دسته‌بندی آنها در مرحله کدگذاری انتخابی، الگوی ایجاد شهر یادگیرنده با محوریت دانشگاه در کلان‌شهر اهواز به شکل ۱ قابل ارائه است:

### نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها بیانگر گرایش به تغییر رویکرد مدیریت شهرداری به سمت مدیریت یکپارچه شهری و بازنگری قوانین در مدیریت شهری است. در حال حاضر دیدگاه مدیریت یکپارچه شهری در کشور ما حاکم نیست و علاوه بر شهرداری، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی دیگری نیز عهده‌دار انجام امور محلی هستند. سازمان‌ها و نهادهای متعددی، متولی و مجری مدیریت در شهر هستند و هرکدام قوانین و مقررات مربوط به خود را دارند. به نظر می‌رسد در بسیاری از فضاها، بخش‌های دولتی و خصوصی به‌جای همکاری در حل مشکلات، به عملکرد جدا از هم گرایش دارند. هر اداره دولتی یا نظام علمی تنها به بخش کوچکی از پیکره‌بندی شهر نظر دارد. بنا به نتایج این پژوهش و سایر پژوهش‌ها (شیعه، ۱۳۸۲؛ فیروز بخت و پرهیزکار، ۱۳۹۰؛ کاظمیان و میرعبادینی، ۱۳۹۰، نوروزی وند و همکاران، ۱۳۹۴) قوانین موجود در حوزه مدیریت شهری به دوره‌هایی بازمی‌گردد که ابعاد، تفکرات و نظریه‌های شهری به شکل کنونی وجود نداشت و در نتیجه هماهنگی طرح‌ها و نظریه‌های جدید مدیریتی با چارچوب قوانین و ضوابط مربوط به سال ۱۳۳۴ کار دشواری است.

مؤلفه دیگری که تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند، قدرت و بافتار سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی حاکم بر مدیریت و فعالیت‌های یادگیری شهرداری اهواز بود. فرهنگ و بافت سیاسی و اجتماعی همیشه می‌تواند هم بازدارنده باشد و هم پیش‌برنده. تجربه دنیای امروز و کشورهای توسعه‌یافته نشان داده است هر قدر این بافت‌ها سیاسی‌تر و ایدئولوژیک‌تر باشند، بازدارندگی آن‌ها برای شکل‌گیری شهر یادگیرنده قوی‌تر خواهد بود. هرگاه که حاکمیت و غلبه ایدئولوژی چه در دانشگاه و چه در شهرداری و حتی سایر نهادها، تعیین‌کننده باشد، رسیدن به اجماع در اهداف اصلی شهر یادگیرنده، دشوار شده و توجه به نیازهای عموم مردم و اقشار و گروه‌های اجتماعی مختلف مانند زنان و اقلیت‌های قومی و دینی و حتی روستاییان و یا مهاجران و حاشیه‌نشینان که عمدتاً از

گروه‌های قومی و محروم‌تر هستند، تحت‌الشعاع برخی هنجارهای رسمی و حکومتی و یا مجادلات گروه‌های سیاسی و قومی و ... به حاشیه و فراموشی سپرده خواهد شد.

سیاست‌های علمی کشور و نوع و میزان نگاه دانشگاه به بیرون از چارچوب‌های خود (در بخش عرضه و تقاضای توسعه یادگیری شهری) نیز از مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر برای ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده شناسایی شد. تأکید بیشمار بر ارائه مقاله در آیین‌نامه ارتقاء اعضای هیئت‌علمی موجبات افزایش کمی مقالات را فراهم کرده به طوری که استادان بیش‌ازپیش به ارائه مقاله پرداخته و دیگر توجهی به فعالیت‌های پژوهشی و ارتباط با صنعت و محیط اطراف در جهت رفع مشکلات جامعه ندارند. هرچند در سال ۱۳۹۸ اصلاح آیین‌نامه با الحاق ماده ۵ صورت گرفت اما در اصل ماجرا تغییر مشهودی ایجاد نشد.

یکی از راهبردهای مهم پژوهش حاضر، بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فکری، آموزشی و پژوهشی و فرهنگی دانشگاه است. اگرچه دلیل اصلی وجودی دانشگاه‌ها، توسعه سرمایه فکری است، اما انجام این کار در خلأ برج عاج عاقلانه نیست و آن‌ها تخصص، امور مالی و سرمایه انسانی را به شهرها و مناطق به‌عنوان بخشی از عملکرد عادی خود ارائه و دریافت می‌کنند (Longworth, 2006). دانشگاه‌ها می‌توانند با فعالیت‌هایی مانند؛ احیای پروتکل‌های شهرداری با کمک گروه‌های آموزشی دانشگاه، استفاده از ظرفیت‌های کانون‌های دانشجویی و دانشجویان مستعد در سطح محلات برای انجام فعالیت‌های آموزشی، راه‌اندازی خانه‌های علم و ساده‌سازی علوم برای شهروندان، طراحی و تولید محتوای آموزشی و یادگیری (برای شهروندان و کارکنان سازمان‌ها)، بهره‌گیری از ظرفیت‌های پایان‌نامه‌ای در دانشگاه‌های منطقه جهت انجام پروژه‌های مطالعاتی شهرداری، تأسیس مرکز تأیید طرح‌های اجرای شهری متشکل از کارشناسان علمی نهادهای اجرایی و دانشگاه، استفاده از ظرفیت‌های علمی و فکری دانشگاه در بخش طراحی، مشاوره، نظارت و ارزیابی پروژه شهر یادگیرنده و راه‌اندازی کارگروه‌های مشترک و اتاق‌های فکر با دانشگاهیان، به بسط و نهادینه کردن این موضوع بپردازند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های گودارد و چترتون ۱۹۹۹؛ مورگان، ۲۰۰۲؛ کیتاگاوا، ۲۰۰۴؛ لانگ ورث، ۲۰۰۶؛ سازمان همکاری و توسعه منطقه‌ای، ۲۰۰۷؛ شبکه تخصصی اروپایی در منطقه یادگیرنده، ۲۰۰۸؛ رصدخانه بین‌المللی پاسکال، ۲۰۱۴؛ بیات و همکاران، ۱۳۹۱؛ سرور و همکاران، ۱۳۹۵ همسو است.

از تحقیقات ذکر شده می‌توان به‌روشنی به اهمیت نقش محوری دانشگاه در شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار و تعیین و تدوین شاخص‌های تحقق شهر یادگیرنده پی برد. دانشگاه به‌عنوان پلی ارتباطی بین چهار خرده نظام معرفت، منزلت، قدرت و ثروت با برخورداری از فناوری‌ها و اندیشه‌های نو می‌تواند هر لحظه در شریان‌های حیاتی شهر نیرویی نوین تزریق کند و مدیران شهری نیز می‌توانند با کاربست ایده‌های نوظهور دانشگاهیان، پایه و اساس توسعه پایدار و پیشرفت جامعه را پایه‌ریزی کنند و پاسخگوی نیازهای شهر و شهروندان باشند.

در آخر برای ریل‌گذاری به‌سوی چشم‌انداز شهر یادگیرنده، چند نمونه از طرح‌های اجرایی پیشنهادی مربوط به دو مورد از راهبردهای پیشنهادشده در مدل، به‌اختصار در جدول ۶ بیان شد تا ابعاد کاربردی پژوهش ملموس‌تر شود.

جدول ۶- یک نمونه از طرح‌های اجرایی پیشنهادی

هدف کلان	راهبرد	طرح یا پروژه	شاخص
تقویت و بهبود نقش‌های فراملی، ملی و منطقه‌ای کلان‌شهر اهواز با استفاده مناسب از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فیزیکی، اجتماعی، انسانی، فرهنگی و اقتصادی	تعاملات کلان برون‌شهری و برون‌مرزی با کلان‌شهرها و شهرهای توسعه‌یافته‌تر داخلی و جهانی و همچنین نهادهای بین‌المللی فعال مانند یونسکو	خواهرخواندگی با ۵ شهر (با میانگین سالانه یک شهر و با تأکید بر حوزه‌های مشترک)	تعداد شهر
-	-	عضویت در سازمان‌های بین‌المللی (در حوزه شهری و محیط زیستی و فرهنگی)	تعداد عضویت در سازمان
-	-	عضویت شهر اهواز در کنوانسیون بین‌المللی شهرهای یادگیرنده	-

هدف کلان	راهبرد	طرح یا پروژه	شاخص
-	-	برگزاری سالانه یک همایش بین‌المللی با شهرهای همسان (با اهداف معرفی شهر و فرصت‌های سرمایه‌گذاری)	تعداد همایش سالانه
توسعه آموزش شهروندی و ارتقاء فرهنگ شهروندی و سرمایه‌های اجتماعی	نهادینه کردن آموزش شهروندی با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های سازمان‌های رسمی دولتی، بخش خصوصی و انجمن‌های مردم‌نهاد، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، شوراهای شورایارها، انجمن‌های مذهبی، محلی، ادبی، هنری، گردشگری و ...	آموزش حقوق و تکالیف شهروندان در حوزه خدمات شهری، محیط‌زیست، زیباسازی منظر شهری، فرهنگ ترافیک، خدمات آرامستانها و متناسب با نیازها و شرایط شهر و شهروندان	درصد شهروندان
-	-	تعامل با سازمان‌های فرهنگی (همچون صداوسیما و دانشکده‌های تربیت‌بدنی) شهر اهواز	جلسات سالانه
-	-	ایجاد شورای عالی فرهنگ شهروندی به‌منظور ساماندهی کلیه آموزش‌های غیررسمی در سطح شهر اهواز	شورا

## منابع

- امیرانتخابی، شهرام؛ قلی پور، یاسر و میثمی، سعید. (۱۳۹۷)، "تحلیلی بر ارتباط شهر یادگیرنده و شهر خلاق در راستای دستیابی به شهر پایدار (مطالعه موردی: شهر رشت)"، **مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی**، دوره ۱۳، شماره ۲: ۴۸۲-۴۶۵.
- بیات، سوده؛ قلی‌پور، آرین و پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۲)، «شناسایی عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر یادگیرنده در منطقه ۶ شهرداری تهران»، **مجله علمی و پژوهشی مدیریت شهری**، شماره ۳۱، ۱۵۶-۱۳۹.
- پرهیزکار، اکبر و فیروزبخت، علی. (۲۰۱۱)، «چشم‌انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری»، **جغرافیایی سرزمین**، دوره ۸، شماره ۳۲: ۴۳-۶۷.
- دادجوی توکلی، عطیه؛ حسینی، محمدعلی؛ نیکنامی، مصطفی و صالحی، محمدجواد. (۱۳۹۸)، "تقویت مشارکت بخش غیردولتی در تأمین منابع مالی آموزش عالی"، **نشریه مدیریت فردا**، دوره ۱۸، شماره ۵۸: ۱۳۸-۱۲۳.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶)، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، **اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)**، دوره ۱، شماره ۲، ۶۹-۹۷.
- ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی ساختار مدیریت و رهبری دانشگاهی: مطالعه موردی هیئت‌های امنا»، **آموزش عالی ایران**، دوره ۸، شماره ۳: ۱۱۰-۷۹.
- سرور، رحیم؛ اکبری، مجید و طالشی انبوهی، مرضیه. (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهر یادگیرنده (مطالعه موردی: شهر بناب)"، **فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی**، دوره پنجم، شماره ۱۸: ۱۱۶-۱۰۳.
- سلمان زاده، سارا. (۱۳۹۴)، "پارادایم تبیینی «شهر آموزش محور» تا «شهر پژوهش محور» از شهر آموزش‌دهنده تا شهرهای علم و فناوری (تکنو‌پل)"، **نشریه مدیریت شهری**، دوره ۱۴، شماره ۳۸: ۱۰۵-۱۳۱.
- شاهی، سکینه؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم و مهرعلی‌زاده، یدالله. (۱۳۸۷)، "ارتباطات گشوده آموزش عالی، ضرورت رویارویی با چالش‌های جهانی شونگی؛ مطالعه موردی دانشگاه‌های دولتی خوزستان"، **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، سال ۱۴، شماره ۴: ۴۵-۱۹.
- شماعی، علی و محمودی، سید مهدی. (۱۳۹۰)، "سنجش میزان رضایتمندی دانشجویان از نقش دانشگاهی شهر بابلسر"، **مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، دوره ۲، شماره ۶: ۸۶-۷۱.
- شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۲)، "لزوم تحول مدیریت شهری در ایران"، **فصلنامه جغرافیا و توسعه**، شماره ۱، دوره ۱: ۶۲-۳۷.

- غفرانی، محمدباقر. (۱۳۹۰)، "مسائل ساختاری نظام آموزش عالی ایران و راه‌های برون‌رفت از آن در برنامه چهارم"، **فصلنامه راهبرد مجلس**، شماره ۴۱: ۱۰۰-۷۳.
- کاظمیان، غلامرضا و میرعابدینی، زهره. (۲۰۱۱)، "آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری"، **نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی**، دوره ۳، شماره ۴۶: ۳۸-۲۷.
- کریمی، صدیقه؛ نصر، احمد رضا و شریف، مصطفی. (۱۳۹۲)، "مفهوم و مدل جامعه یادگیری در کشور ایران"، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال ۲۴، شماره ۴۱: ۶۶-۵۰.
- مرکز تحقیقات سیاست‌های علمی کشور. (۱۳۹۹). آینده دانشگاه‌ها در ایران؛ جامعه‌محور و کارآفرین، تهران: مرکز تحقیقات علمی کشور.
- مهرعلی‌زاده، یداله؛ صفایی مقدم، مسعود؛ صالحی عمران، ابراهیم و علم، محمدرضا. (۱۳۹۶). **مبانی نظری و عملی پژوهش (کمی، کیفی و آمیخته) در علوم انسانی**، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مهرعلی‌زاده، یداله و همکاران. (۱۳۹۶)، "تدوین برنامه راهبردی ۵ ساله شهرداری کلان‌شهر اهواز، شهرداری کلان‌شهر اهواز"، معاونت پژوهش و فناوری، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- نوروزی‌وند، طاهره؛ مهرعلی‌زاده، یدالله و سعیدی، احمد. (۱۳۹۴)، "بررسی و ارزیابی مؤلفه‌های بومی شهر یادگیری در شهر اهواز"، **دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی**، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، [https://www.civilica.com/Paper-EPSCONF02-EPSCONF02\\_0659.html](https://www.civilica.com/Paper-EPSCONF02-EPSCONF02_0659.html)
- یوسفی، محمد؛ شیعه، اسماعیل؛ خطیبی، محمدرضا و سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۹۸)، "شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های شهر یادگیرنده با تأکید بر یادگیری مادام‌العمر"، **مجله نوآوری‌های آموزشی**، دوره ۱۸، شماره ۳: ۱۲۶-۱۰۵.
- یوسفی، محمد؛ شیعه، اسماعیل؛ خطیبی، محمدرضا و سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۹۹)، بررسی ارتباط شهر یادگیرنده و سطح مشارکت شهروندان در شهر قزوین، **راهبرد اجتماعی فرهنگی**، دوره ۹، شماره ۲: ۱۴۰-۱۰۳.
- یونسکو. (۱۳۷۶)، **یادگیری گنج درون: گزارش کمیسیون بین‌المللی تعلیم و تربیت برای قرن بیست و یکم یونسکو**، ترجمه: دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش، تهران: تزکیه
- یونسکو. (۱۳۸۸)، **به سوی جامعه دانایی محور**، ترجمه: حسن قاسمی و سیروس آزادی، تهران: سمت.

- Delanty, Gerard. (2003). Ideologies of knowledge society and cultural. Contradiction of higher education. *Policy of Futures in Education*, Vol 11 (1), 71- 82.
- Di Sivo, Michele, and Daniela, Ladiana. (2010). Towards a learning City the neighborhood lab and the lab net. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 5349-5356.
- Dohmen, Günther. (1996). *Lifelong learning. Guidelines for a modern education policy*. Bonn: Federal Ministry for Education, Science. Research and technology.
- Duke, Chris. (2002). *Managing the learning university*. USA: SRHE and Open University Press.
- Facer, Keri, and Magdalena Buchczyk. (2019). Towards a research agenda for the 'actually existing' Learning City. *Oxford Review of Education*, 45 (2), 151-167.
- Faris, Ron. (2006). *Learning Cities: Lesson Learned, in Support of Vancouver Learning city Initiative*, <http://www.members.shaw.ca>
- Goddard, John B., and Paul Chatterton. (1999). Regional Development Agencies and the knowledge economy: harnessing the potential of universities. *Environment and Planning C: Government and Policy*. 1(6), 685-699.
- Hartley, David. (2000). Realizing the University in An Age of Supercomplexity. *Journal of Education for Teaching*, 26 (3), 313.
- Hutchins, Robert. M. (1968). *The learning society*. London: Pall Mall Press.
- IEARN International Education and Resource Network. (2005). found on <http://www.iearn.org/projects/index.html>
- Illich, H. (1973). *Deschooling society*. Harmondsworth UK: penguin. 20-104.
- Jain, Manish. (2005). Shikshantar: The Peoples' Institute for Rethinking Education and Development. *Journal of Futures Studies*, 10(1), 115-118.
- Jarvis, Peter. (2008). *Globalization, lifelong learning and the learning society*. London and New York: Rotledge.
- Knapper, Christopher, and Arthur J. Cropley. (2000). *Lifelong learning in higher education*. London: Kogan Page.
- LILARA project. (2006). *details from University of Stirling Centre for Research into Lifelong Learning*, Airthrey Castle, Stirling
- Longworth, Norman. (2000). *Making Lifelong Learning Work: Learning Cities for a Learning Century*. Routledge

- Longworth, Norman. (2000). *Towards a European Learning Society (TELS)*. Project Report presented to the European Commission November 2000. Also available [online] [www.longlearn.org.uk](http://www.longlearn.org.uk)
- Longworth, Norman. (2006). *Learning cities, learning regions, learning communities: Lifelong learning and local government*. London: Routledge.
- Longworth, Norman. (2011). Norman Longworth on Learning Cities. [www.longlearn.org.uk](http://www.longlearn.org.uk)
- Longworth, Norman, and W. Keith Davies. (1996). *Lifelong Learning: New Vision, New Implications, New Roles for People, Organizations, Nations and Communities in the 21st Century*. Kogan Page Limited, 120 Pentonville Rd., London N1 9JN, England, United Kingdom
- Morgan, Bob. (2002). Higher education and regional economic development in Wales: an opportunity for demonstrating the efficacy of devolution in economic development. *Regional Studies*, 36(1), 65-73.
- OECD. (2007). *Globally Competitive, Locally Engaged – Higher Education and Regions*. Paris: OECD.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet. (1990), *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.
- Times Higher Education: University Impact Ranking (2021, August 1). Retrieved from [https://www.timeshighereducation.com/world-university-rankings/2020/world-ranking#!/page/0/length/25/sort\\_by/rank/sort\\_order/asc/cols/stats](https://www.timeshighereducation.com/world-university-rankings/2020/world-ranking#!/page/0/length/25/sort_by/rank/sort_order/asc/cols/stats)
- UNESCO, U. (2015). UNESCO Global Network of Learning Cities: Guiding Documents. *Hamburg: UNESCO UIL. Retrieved July, 13, 2017.*
- Unesco. (1972). *Learning to be: The world of education today and tomorrow*. New York: Unesco.
- Van Der Zee, H. (2006). 20 The learning society. *From Adult Education to the Learning Society: 21 Years from the International Journal of Lifelong Education*, 331
- Walker, Diane, and Florence Myrick. (2006). *Grounded Theory, an Exploration of Process and Procedure*. *Qualitative Health Research*, 16, 547-559.